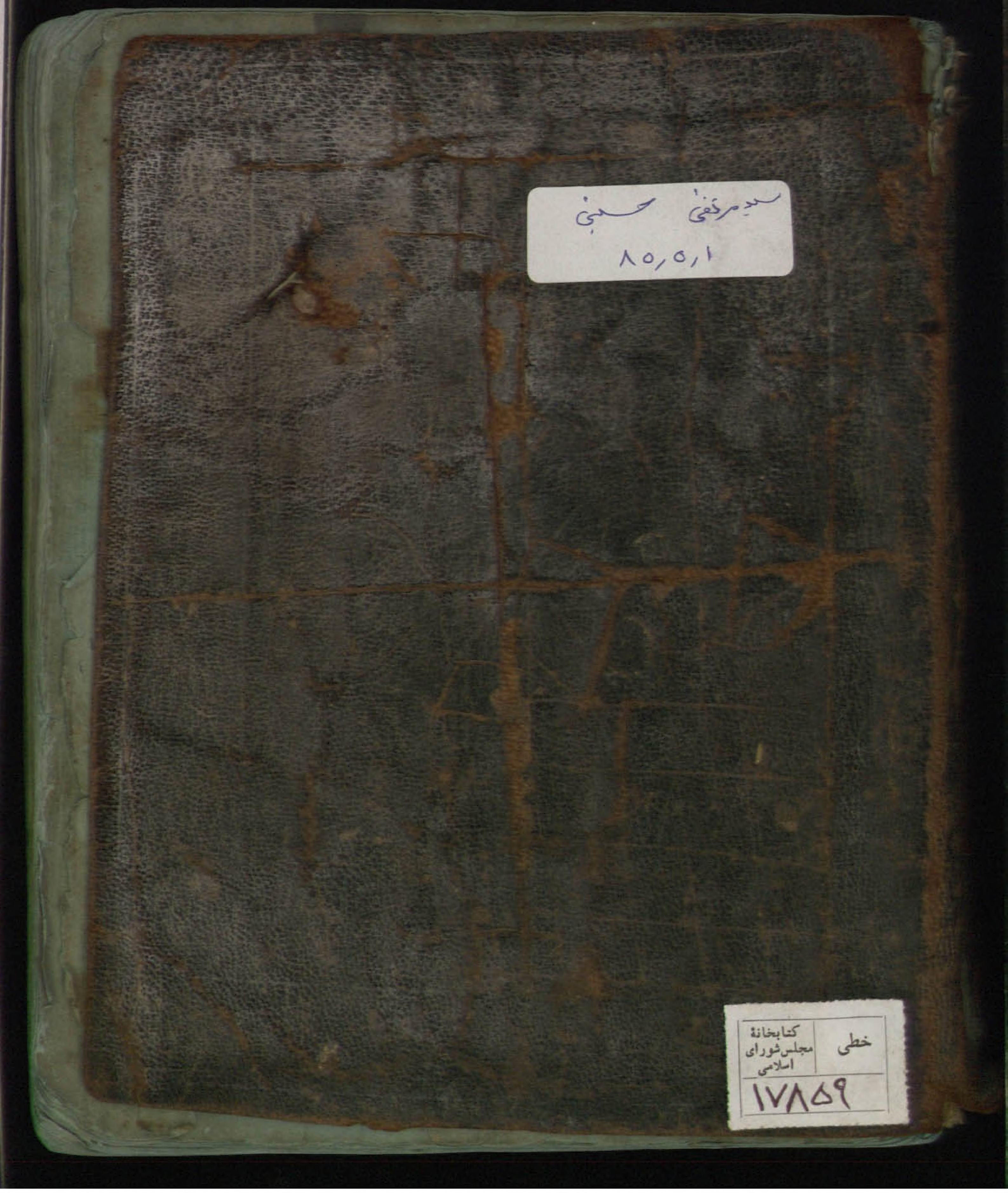
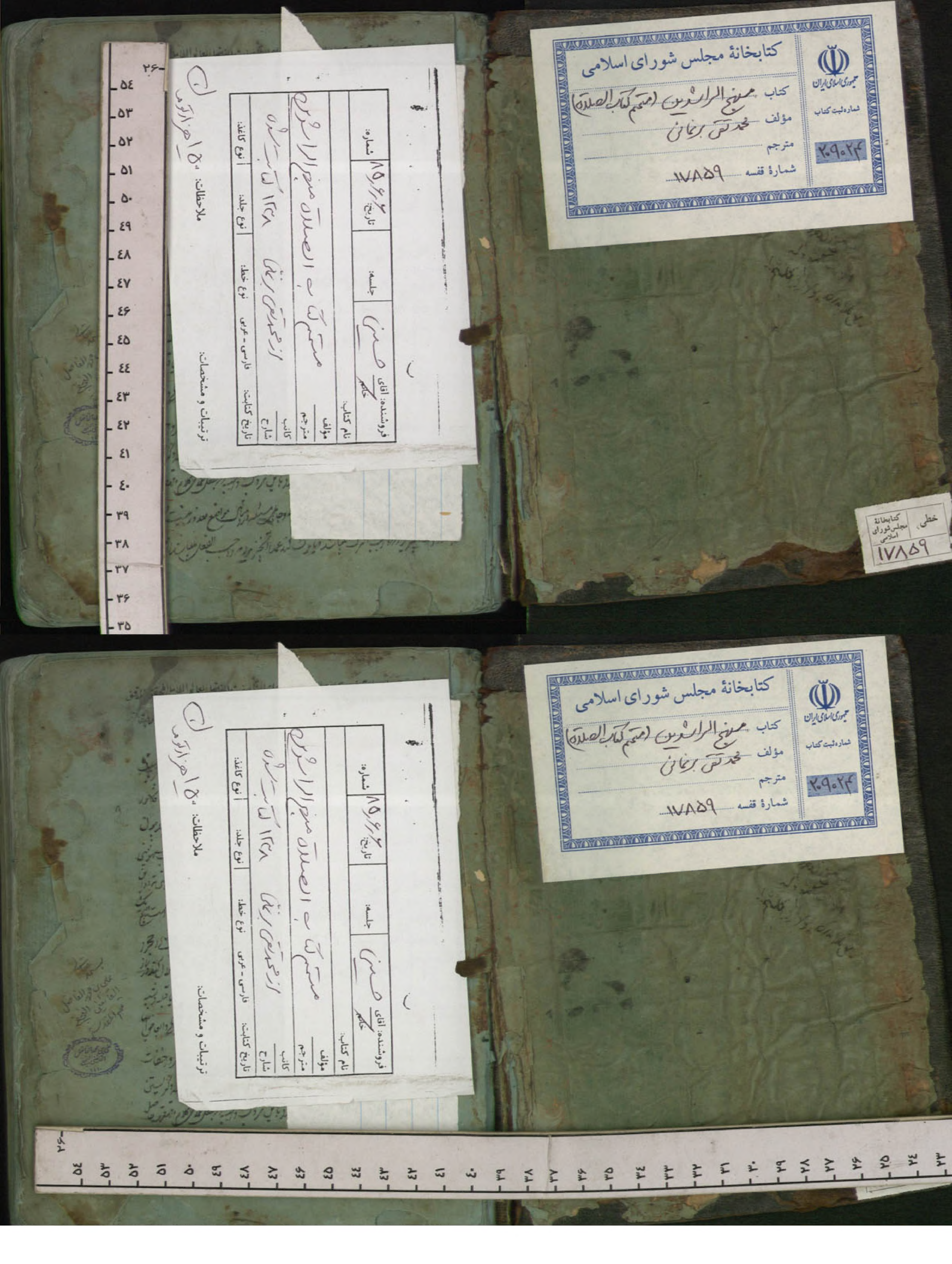
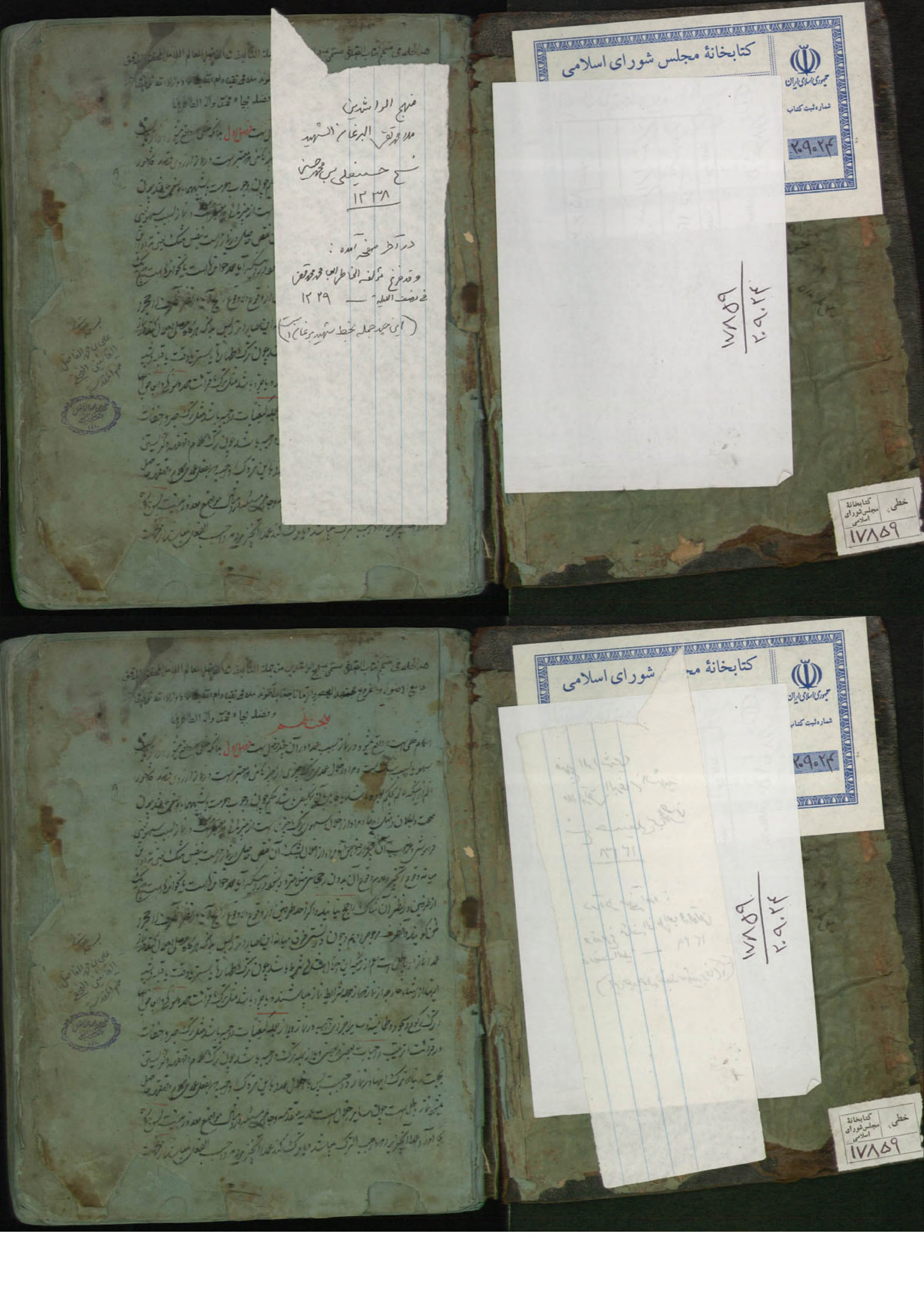


سید مرتضی حسینی
۸۵/۵/۱
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۷۸۵۹


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب ۲۰۹۰۲۴
کتاب منهج الرشادین (متمم کتاب الصلاة)
مؤلف محمد تقی برغانی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۷۸۵۹
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی خطی ۱۷۸۵۹



منهاج الراشدین
ملا محمدتقی البرغانی الشهید
نسخ حسینعلی بن محمد حسین
۱۲۳۸
در آخر صفحه آمده :
وقد فرغ مؤلفه الخاطی ابن محمد محمد تقی فی نصف اللیله ۱۲۲۹
(این جمله بخط شهید برغانی)
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۲۰۹۰۲۴
۱۷۸۵۹
۲۰۹۰۲۴
خطی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۱۷۸۵۹

جهل بوجوب آن نماز باطل است مگر در جهر و اخفات در موضع خود و اجماع منعقد است [illegible] درست جاهل بحکم
در این دو مقام پس هر گاه اخفات کند در موضع جهر و بالعکس از روی جهل نماز او صحیح است و مثل این صورت
بحسب نص و اجماع مستثنی است یا محل فاعل جاهل [illegible] در غیر آن ثابت نمودیم [illegible]
در احکام مطلق چه علم [illegible] باشد چه حکم و صحت [illegible] مقرر [illegible] در موضوعات احکام [illegible] معذور است جاهل است
و از نجاست معذور است جاهل بنجاست لباس و مکان و نماز در این صورت جاهل بنجاست [illegible]
نماز در وقت و نه در خارج وقت و همچنین جاهل بنجاست لباس و بدن [illegible] در خارج وقت قضا بر آن نیست [illegible]
است [illegible] باقی [illegible] وقت نیز معذور است [illegible] واجب نیست و همچنین است جاهل بنجاست در موضع سجود [illegible]
با علم بموضع و جهل بحکم [illegible] صحیح نیست پس هر گاه با آب غصبی با علم بغصبیت و جهل بحکم [illegible]
غصبی وضو نماز [illegible] باطل خواهد شد و هر گاه علم [illegible] بغصبیت آب [illegible] در [illegible] پس هر گاه [illegible]
غسل جنابت [illegible] آب غصبی [illegible] غسل شرعی نیست [illegible]
میکند با آب مباح [illegible] مغسول با آب غصبی [illegible] هر گاه علم بغصبیت [illegible]
حمل [illegible] آیا جایز است [illegible] باطل [illegible]
وضو خواندن [illegible] جایز است و در این دو موضع [illegible] آب غصبی [illegible] کرده است [illegible]
در وضو [illegible] از [illegible] اصحاب [illegible] **فایده** هر گاه آب مباح در ظرف غصبی باشد
چون [illegible] از آن [illegible] آب مباح [illegible] باشد [illegible] آب
[illegible] ظرف غصبی است [illegible] در این صورت [illegible]

از ظرف غصبی [illegible] پس [illegible] آب مباح [illegible] آب در ظرف غصبی است
[illegible] از آب مباح دیگر [illegible] باشد پس در این صورت هر گاه [illegible] از آن ظرف غصبی [illegible] وضوی او باطل است [illegible]
فاعل [illegible] **فصل دوم** [illegible] آب منحصر نباشد بهمان آب در ظرف غصبی است [illegible]
دیگر [illegible] باشد [illegible] از آب مباح است [illegible]
از این دو ظرف غصبی است و دیگری آب [illegible] مباح پس در این صورت [illegible]
[illegible] هر گاه از ظرف غصبی وضو [illegible] در این صورت هر گاه [illegible] ظرف غصبی [illegible]
[illegible] وضوی او صحیح است بخلاف صورت [illegible] باطل [illegible]
در این هر گاه آب مباح را از آن ظرف مغصوب بظرف مباح بریزد [illegible] در ظرف مباح [illegible]
و وضوی او صحیح است [illegible] ظرف غصبی [illegible]
فصل سوم هر گاه لباس مصلی یا جزء لباس مصلی از میته باشد [illegible]
[illegible] نماز او صحیح است و [illegible] در خارج وقت [illegible]
اخذ کرده باشد آن [illegible] از [illegible] مسلم [illegible] هر گاه اخذ کرده
باشد [illegible] از غیر مسلم [illegible] باشد [illegible]
[illegible]
صورت [illegible] بودن [illegible] باشد در آن [illegible] باطل است [illegible]
[illegible]

باحکام [illegible] عدم [illegible] است **فایده** هر گاه [illegible] مصلی [illegible] نماز میکند [illegible] است در نماز
در او صحیح است [illegible] شک [illegible] نماز کند [illegible] مشهور [illegible] اعاده [illegible] نماز [illegible]
[illegible] است [illegible] نماز در آن صحیح است [illegible] ماکول اللحم است [illegible] نماز در آن صحیح
نیست [illegible] از [illegible] حیوان [illegible] است یا از [illegible] حیوان ماکول
اللحم است [illegible] ماکول اللحم [illegible] است [illegible]
[illegible] شک [illegible] نماز کند مشهور [illegible] بطلان [illegible]
مبحث دوم
در بیان احکام سهو است و تفصیل احکام آن محتاج است [illegible] **فصل اول** [illegible] در سهو اجزای
واجبه نماز [illegible] هر گاه مصلی [illegible] واجبه نماز را فراموش کند [illegible] اجزای [illegible] باشد [illegible]
واجبات [illegible] پس هر گاه [illegible] محل [illegible] واجب است
[illegible] واجب فراموش [illegible] قرائت [illegible]
[illegible] هر گاه [illegible] واجب [illegible]
فراموش کرده است پس هر گاه [illegible] واجبات [illegible] نماز او باطل نیست [illegible] است
اصحاب [illegible] نماز [illegible] سهو [illegible]
و تفصیل [illegible] هر گاه [illegible] واجبات [illegible] باشند نماز
او باطل است [illegible] پس هر گاه مصلی [illegible] قیام [illegible] سهو [illegible] نماز باطل است
[illegible] در محل [illegible]

عدم رکنیت نیت است و همچنین قیام مصلی [illegible] است [illegible]
نماز باطل [illegible] نیت و قیام آن [illegible] سهو [illegible] قول [illegible] رکنیت [illegible]
نیت در بطلان نماز [illegible] همچنین هر گاه سهو [illegible] نیت [illegible] تکبیره
الاحرام [illegible] نماز باطل است [illegible] و همچنین هر گاه ترک کند تکبیرة الاحرام را سهواً [illegible] نماز باطل [illegible]
باجماع اصحاب و همچنین هر گاه ترک کند رکوع را سهواً [illegible] نماز باطل است [illegible]
[illegible] سجده [illegible] نماز باطل است [illegible] رکوع [illegible]
[illegible] نماز صحیح است [illegible] بعضی از محققین معاصرین [illegible]
[illegible] قول اول است پس نماز باطل است [illegible] سجده [illegible]
[illegible] سجده [illegible]
[illegible] صحیح [illegible]
[illegible] هر گاه ترک کند سهواً [illegible] رکوع [illegible]
[illegible] مشهور [illegible] بطلان نماز است **فصل دوم** [illegible] نماز [illegible]
هر گاه مصلی [illegible] نماز [illegible] نماز باطل است [illegible]
[illegible] هر گاه [illegible] سهو [illegible]
پس هر گاه [illegible] نماز صحیح است [illegible] هر گاه [illegible] تکبیرة الاحرام [illegible] سهو
نماز [illegible] باطل است [illegible] نماز او باطل است [illegible]

مثلا چهار رکعتی بجا آورد و سهو نماز او ثلث و هرگاه سهو کرد رکعت [illegible] کرد بعضی از اصحاب چون ابن بابویه و علامه در بعض
و مختلف و محقق در تحریر [illegible] داده اند که هرگاه نماز چهار رکعتی باشد در رکعت چهارم بعد از تشهد نشسته باشد
و بعد از آن [illegible] باشد و سهو کرد رکعت [illegible] کرده باشد نماز او صحیح است و الا در غیر این صورت نماز باطل است
و مشهور بین الاصحاب بطلان نماز است به زیادتی رکعت مطلقا هر چند از [illegible] باشد و عقیب رکعت رابعه
و تشهد جلوس بعمل آورده باشد و این قول نزد حقیر اظهر است و احتیاط نیز در این است و بالجمله پس این هرگاه
معلوم و محقق شد که زیادتی رکنی در نماز مطلقا باعث بطلان نماز است لکن چند چیز از این قاعده مستثنا
شده است از آن جمله نیت بنا بر قول به رکنیت آن چه تکرار نیت عمدا یا سهوا در اثنای نماز با عدم [illegible] آن منافی
بطلان نماز نیست [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حکمت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
از صورت [illegible] [illegible] بیان [illegible] [illegible] نیت [illegible] نماز [illegible] استقلال [illegible] [illegible] [illegible] اراده
ضرورت استدامه حکمیه [illegible] عدم نیت خلاف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] احتیاج به این تکلف نیست چه [illegible] نیت بوده باشد مستمر است از اول نماز تا آخر آن [illegible] [illegible]
معروف است [illegible] نیت و از آن جمله رکوع و سجدتین است در نماز جماعت در صورتی که ماموم سهوا یا ظن سبقت کرد
و پیش از امام به رکوع و سجود رود و بعد از دخول در رکوع یا سجود معلوم شد که هنوز امام داخل رکوع یا سجود نشده است
پس در این صورت واجب است بر ماموم که سر بردارد از رکوع یا سجود و بار دیگر با امام داخل شود پس زیادتی رکوع
و سجدتین در صورتی [illegible] در یک رکعت و [illegible] این سهو واقع شده باشد نماز باطل نیست چنانچه در بحث
نماز جماعت نیز خواهیم ان شاء الله تعالی مذکور شد و از آن جمله هرگاه بعد از نماز احتیاط معلوم شد [illegible]

در نماز او ناقص بوده است و [illegible] [illegible] رکعت احتیاط او بوده است پس احتیاط در این صورت متمم آن نماز است و نماز
صحیح است و همچنین در اثنای احتیاط معلوم شود و [illegible] احتیاج به این احتیاط پس در این صورت هم نماز او صحیح است
احتیاط و هم نماز [illegible] است با وجود [illegible] زیادتی رکنی بعمل آمده است مثل تکبیرة الاحرام و [illegible] نماز احتیاط است و از آن جمله
هرگاه مسافر نیت [illegible] [illegible] نماز را تمام کند از جهت جهل بوجوب تقصیر یا آنکه سهوا نماز را تمام کرد و بعد از خروج وقت
[illegible] نماز را تمام کرده است نماز او صحیح است و احتیاج نیست [illegible] بعمل آورد با وجود آنکه دو رکعت زیاد
شده است در نماز [illegible] بعضی از اصحاب قائل است بآنکه هرگاه مصلی ترک کند در رکوع [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] پس هرگاه
با عدم دخول در سجود رکوع [illegible] [illegible] بعمل آورد در اثنای رکوع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بعمل آورده بوده است
نماز صحیح است پس این نیز مستثنی است از قاعده لکن اقوی نزد حقیر عدم استثنای این صورت است و [illegible]
باطل است در این صورت بجهت زیادتی رکن فصل سیم هرگاه مصلی سهوا یک رکعت از نماز را ترک کند و پس هرگاه
بخاطرش آید بعد از سلام و قبل از فعل منافی مطلقا خلافی نیست بین الاصحاب در وجوب اتمام آن یک رکعت ترک شده
[illegible] [illegible] نماز [illegible] [illegible] برخیزد و آن یک رکعت ترک شده را بعمل بیاورد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سجده
سهو بجهت سلام [illegible] [illegible] [illegible] چنانچه [illegible] [illegible] [illegible] مذکور شد و هرگاه بخاطرش آید بعد از ارتکاب منافیات
مطلقه یعنی آنچه [illegible] نماز را باطل میشود بفعل آن مطلقا چه عمدا و چه سهوا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] صورت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سهوا در اثنای نماز [illegible] بطلان [illegible] چنانچه سابقا [illegible] [illegible] شد
پس نماز باطل است و اعاده آن واجب است بنا بر مشهور [illegible] و هرگاه بخاطرش آید بعد از ارتکاب منافیات

عمدیه یعنی آنچه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در اثنای نماز عمدا باطل [illegible] [illegible] سهوا چون سخن گفتن در اثنای نماز [illegible] باطل است
سهوا پس در این صورت خلاف در بطلان نماز [illegible] [illegible] صحت نماز است پس آن یک رکعت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] هر چند احوط است بجهت خروج از خلاف بجهت ترک [illegible] سلام در غیر موقع سخن گفتن [illegible]
سهو [illegible] [illegible] [illegible] و همچنین است حکم هرگاه مصلی سهوا [illegible] [illegible] پس هرگاه قبل از ارتکاب [illegible] [illegible] مطلقه
بخاطرش آید [illegible] سلام [illegible] [illegible] [illegible] و نماز صحیح است و همچنین هرگاه بخاطرش آید بعد از ارتکاب منافیات عمدیه
چون سخن گفتن [illegible] آن [illegible] عدم خلاف [illegible] [illegible] نماز و وجوب اتیان [illegible] سلام [illegible] [illegible] [illegible] سخن گفتن سجده
سهو بعمل آورد [illegible] هرگاه بخاطرش آید بعد از ارتکاب منافیات مطلقه تغییر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
پس در بطلان نماز و صحت آن [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] بطلان این نماز است [illegible] [illegible] [illegible] الاصحاب است
فصل چهارم هرگاه ترک کند مصلی سهوا دو سجده را و شک دارد که آیا دو سجده از یک رکعت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] هر یک [illegible] [illegible] اشکال عظیم است [illegible] هر چند اقوی نزد حقیر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
پس هرگاه در حال قیام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در حال رکوع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بعمل آورد
و بر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نماز [illegible] [illegible] بعد از نماز [illegible] [illegible] و سجده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اقوی است [illegible] نماز صحیح است و نماز را تمام کند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است پس بعد از نماز [illegible] [illegible] قضا کند بجهت [illegible] سجده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] سجده سهو بجا آورد و در هر دو صورت احوط اعاده نماز است فصل پنجم هرگاه

یقین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است و هر سجده از رکعتی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سجده از دو رکعت اول فوت
شده [illegible] [illegible] سایر رکعات [illegible] اصحاب چون شیخ طوسی [illegible] بطلان نماز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
حقیر صحت نماز است هر چند یقین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
قضا [illegible] [illegible] بعمل آورد و بجهت هر سجده [illegible] سجده سهو بجا آورد فصل ششم هرگاه [illegible] [illegible] مصلی [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] ترک کند سهوا نماز صحیح است مطلقا لکن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سجده سهو [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
فصل [illegible] اگر نماز تمام [illegible] [illegible] [illegible] صحیح است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سجده سهو [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الاخفات [illegible] [illegible] هر چند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
باشد چنانچه [illegible] مذکور شد پس هرگاه فراموش کند قرائت حمد و سوره یا یکی از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] رکوع [illegible] در این صورت نماز صحیح است و تمام کند [illegible] [illegible] و همچنین سجده سهو [illegible] [illegible]
نیست و همچنین هرگاه جهر و اخفات [illegible] در موضع خود فراموش کند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
هر چند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سهوا قرائت حمد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] هر چند [illegible] [illegible] شده باشد و سجده سهو [illegible] [illegible]
و همچنین است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و همچنین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
صحیح است و تدارک [illegible] [illegible] [illegible] و همچنین است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سهو [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نماز را تمام کند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

برکعت طمانینه دراین ارکان و مقتضای اشتغال بطلانست و علی هذا هرگاه اعاده کند نماز را احوط است و همچنین است
نسیان سجده بر مجموع اعضا یا بعض از آنها مثل آنکه سهوا پیشانی گذاشتن را در حین سجود بر زمین نگذاشت و آنکه مراد است
آن وقت که یادش آید تدارک نمی تواند کرد گذشته است و نمازش صحیح است چون محل تدارک سجده سهو همچنین است
رفع راس از سجود مثل آنکه بعد از رفع از سجده اول پیشانی را بعد از حصول جبهه از زمین رفع نمود و بر نداشت و بجهت سجده دوم
بر زمین نهاد و گذاشت چه در این صورت ثانی واجب را بکلی ترک آن و سابقا مذکور شد ترک کرده است سهوا
و نماز در این صورت نیز صحیح است بدون تدارک رفع سر از سجده سهو و همچنین است نسیان طمانینه
بین السجدتین **دوم** آنکه تدارک واجب را آن بدون سجده سهو و تدارک در این دو صورت است فراموش
کرده باشد واجب غیر رکنی را قبل از دخول در رکن لاحق یا بعد از رکن بخاطرش آید پس در این صورت برگردد
و تدارک آن می کند و بعد آنچه از واجبات ما بعد بجا آورد و ملاحق و ما سابق تدارک کردیم با آنکه
نسیان واجب رکنی غیر از تکبیرة الاحرام در این قسم چون واجب غیر رکنی است با عدم دخول در رکن لاحق
و تدارک بکند نمازش صحیح است با استیناف بعد آن چیز از واجبات چون کلام در واجب غیر رکنی
فرض شد ... تحت عنوان این قسم را بیان نمودیم پس هرگاه فراموش کند مصلی حمد را تا اینکه داخل سوره
شود برگردد و حمد را بجا آورد و سوره را از سر گیرد و همچنین هر جزوی از اجزای حمد یا سوره را هرگاه مصلی سهوا ترک کند و قبل
از دخول در رکن که رکوع باشد بخاطرش آید واجب است برگردد و آن جزو منسی را و بعد از آن بجا آورد و همچنین هرگاه
فراموش کند ذکر رکوع را پیش از رسیدن به حد سجود و بخاطرش آید نسیان رکوع واجب است برگردد و آنرا
بجا آورد و همچنین واجب بعد از رکوع را بجا آورد و بعد از آن بسجده رود و اما جایز است و منتخب ... و نکته

ان

رکوع را بعد بجا آورد یا آنچه واجب است باید ایستادن بر رکوع رود و استقرار از جهات ... بعضی از
ایستاده از ایستادن برکوع رود و بعضی از جهات قائلند بوجوب ... انتصاب هرگاه در حین قیام رکوع را فراموش
کرده باشد و بجهت سجود ... شده الا هرگاه بقصد رکوع ساقط نشود و آنکه برسد از انحنا بحد رکوع
متعارف از این ... رکوع حاصل میآید و در آن حد رکوع را فراموش کرد و بجهت سجود ساقط شد در این صورت قیام
قبل از رکوع واجب نیست بلکه با همان حد که رکوع حاصل شود تا رکوع را فراموش کرده بود است با همان حد برخیزد
و اراده بجهت رکوع ساقط شود در رکوع بعمل آورد و در قول ... بر خلاف اظهر از حضیر قول در وجوب انتصاب
مطلقا چنانچه از جهات استقرار ... وجه باطلست و در این صورت نماز را اعاده کند **و همچنین هرگاه** مصلی ترک کند
سهوا سجدتین را یا احدهما را یا تشهد و قبل از دخول در رکوع متذکر شود واجب است به تشهد و تدارک
فراموش شده کند پس باید و استیناف کند وجوبا واجبات ما بعد از منسی را از قرائت یا تسبیح که رکوع
کند نماز را تمام کند و هرگاه فراموش شده هر از سجده باشد و قبل از رکوع متذکر شود برگردد و دو سجده را
تدارک می کند و نشستن قبل از سجدتین لازم است ~~هرگاه منسی سجده و دخول~~ باشد قبل از سجدتین لازم نیست
و هرگاه منسی سجده واحد باشد پس هرگاه جهت نشستن اولی و جلوس طمانینه ... بین السجدتین لازم است بعمل آورد
باشد و واجب نیست اعاده این جلوس طمانینه هرگاه یعنی جلوس و طمانینه یا یکی از این دو بعمل نیاورده باشد سهوا
واجب علی الاحوط الاقوی ... بنشیند و طمانینه بعمل آورد و بعد از آن تدارک سجده منسیه کند و هرگاه شک کند
که آیا جلوس بین السجدتین را بعمل آورده است یا نه در این صورت نیز واجب است جلوس با طمانینه بعمل آورد
و بعد از آن سجده منسیه را بعمل آورد و هرگاه مصلی قصد کند جلوس بین السجدتین استحبابا بر توهم فراغ

از سجدتین را بدون این جلوس عمل آورده است آیا در این صورت نیز بجهت تدارک سجده با دخول او ساقط شد از جهت
تدارک جلوس واجب بین السجدتین یا آنکه همان جلوس سابق با وجود قصد استحباب ... کافیست کند تدارک
احوط است بر جلوس اول آن جلوس سابق و عدم وجوب بعد از تدارک و اظهر است و هرگاه یقین کند که سجده
واجب سهوا از شک کند در سجده دیگر پس بنابر نیست در وجوب تدارک سجده واجب منسیه چون که گذشت علی
ساقط شد بجهت تدارک سجده واجب منسیه هرگاه شک در سجده را اصل و دیگر نیز باقی است بلحاظ در این حین در
وقوع و عدم وقوع سجده واجب دیگر نیز شک دارد پس اقوی وجوب اتیان است آن سجده مشکوک فیها نیز و هرگاه
یقین کند مصلی در حین قیام بنسیان فعلی از رکعت سابقه ولکن شک کند در اینکه آیا این فعل منسی تشهد است
یا سجده واجب برای که بنشیند و آن سجده را بعمل آورد و بعد از آن تشهد را و هرگاه در صورت مفروضه
متعلق شک او رکوع باشد در سجدتین با تغییر در حین قیام یقین کند ترک دو چیز از رکعت سابقه و شک کند
در اینکه آیا منسی رکوع است یا سجدتین اقوی اینست ... باید که دو چیز منسی سجدتین است پس بنشیند و تدارک
کند سجدتین را و احتیاط اعاده این نماز است و هرگاه مصلی در رکعت اخیره ترک کند سهوا سجود را
یا تشهد را پس هرگاه قبل از تسلیم متذکر شود و تدارک کند وجوبا با استیناف ما بعد آن از واجبات و هرگاه
بعد از تسلیم بخاطرش آید پس هرگاه منسی سجدتین باشد نماز باطل است و هرگاه سجده واحده یا تشهد
بوده باشد قضا کند و سجده سهو نیز بجهت هر یک واجب است بنابر اظهر ... بعد از فعل منافیات مطلقه عمدا از
تسلیم و قبل از انقضای منسی و عدم تخلل آنها و هرگاه مصلی ترک کند سهوا صلوات بر پیغمبر و آل او در تشهد
واجب در حال نماز واجب برای تدارک آن پس بنشیند و بجا آورد و هرگاه متذکر شود قبل از رکوع

لاحق

لاحق یا قبل از تسلیم هرگاه سهوا تشهد را در رکعت اخیره باشد و هرگاه بعد از رکوع یا بعد از تسلیم متذکر شود مشهور بر وجوب
قضای آنست و در وجوب سجده سهو در این صورت خلافست اقوی عدم وجوبست و احوط مراعات قول بوجوبست
سیم از اقسام مذکوره مستفاد ... آنکه واجبست در آن تدارک با سجده سهو در این صورت یکی
آنکه منسی سجده واحده باشد و بعد از خروج از سلام و دخول در حد شرعی از رکوع لاحق متذکر شود پس مشهور در این
صورت صحت نمازست با وجوب قضای سجده منسیه و سجده سهو بعد از تسلیم و احتیاط اعاده این نمازست بجهت خروج
از خلاف عمانی که این نماز را باطل میداند و هم چنین اگر منسی تشهد بوده باشد و بعد از تسلیم یا دخول در رکوع لاحق
متذکر شود پس مشهور در این صورت نیز وجوب قضا است بعد از فراغ از نماز با وجوب سجده سهو و از بعضی
نیست در این حکم هرگاه منسی مجموع تشهد واجب بوده باشد و هرگاه منسی احد تشهدین باشد آیا قضای
آن واجب است بعد از فراغ یا نه خلافست در میانه قائلین بوجوب قضا در سابق لیکن در این صورت احوط
بلکه اقوی وجوب قضا است و با سجده سهو پس احوط در آن نیز عدم ترکست در این صورت ... یا دو واجب
ترتیب در میانه اجزای منسیه چون تشهد و سجده احوط بلکه بعد از فراغ تدارک آنها میکند و میانه سجده سهو را از آن
آنکه اجزای منسیه را بجا آورد با ترتیب میانه سجود و سهوا آن اجزای منسیه و سجود سهو از برای غیر آن خلافست و اقوی
نزد حقیر عدم وجوب ترتیب است در همه جا مطلقا و شهید رحمه الله در ذکری اوجب دانسته است تقدیم اجزای
منسیه را بر سجود سهو ... و سجود سهو اجزای منسیه که مقدم در نماز است ... بعد سجود سهو که از برای غیر اجزای
منسیه میباشد هر چند سبب غیر مقدم باشد بر اجزای منسیه مثل آنکه در نماز اول سهوا تکلم کرده است بعد از آن
تشهد را فراموش کرده باشد و در اعادت قول شهید اوجه است **بحث دهم** کلام در بعضی از احکام شکیات است

در بیان شکیات نماز

و تفصیل این محتاج برسم فصول عدیده **فصل اول** در بیان شک در افعال صلوتی است بدانکه هرگاه مصلی شک
کند در فعلی از افعال نماز از هر جزئی که آن فعل از ارکان بوده باشد یا غیر از آن پس قاعده کلیه در این است
که اگر قبل از دخول در غیر آن مشکوک فیه حمد میکند و بر بسمله [illegible] آن را بجا آورد و اگر بعد از دخول در غیر آن [illegible] باشد
از محل مشکوک فیه التفات نمیکند یا مشکوک فیه جایی میگذارد و بر وقوع آن بنا میگذارد و نماز را تمام میکند
و مشهور و مقصود عدم فرقست در این حکم میان آنکه متعلق شک از ارکان بوده باشد یا غیر آن از واجبات غیر
رکنیه در رکعتین اولیین بوده باشد یا در غیر آن هر چند معروف متعلق شک افعال اولیین بوده باشد بعد از
اتمام آن نماز احوط اعاده است بجهت خروج از خلاف شیخ مفید و طوسی که شک متعلق اولیین را مبطل نماز میدانند
[illegible] و وجه ورا اعداد رکعات دانسته و از محل مشکوک فیه حال نمیشود مجرد دخول در با بعد آن از افعال اقوال
مطلق هر چند از جمله مقدمات افعال صلوتی باشد مثل هوی بجهت رکوع و نهوض از حال در رکوع شک کند در هوی بجهت
سجود و نهوض از حال در سجود شک کند و نهوض بجهت قیام و نهوض از حال تشهد در رفع رأس از سجود بجهت تشهد
و نهوض از حال تشهد شک کند یا در تکبیر مختص است بصورت شک در آن فعل بعد از مشکوک فیه در حال آن شک است از جمله
افعال و چیزی چون نیت و قیام و هر دو از افعال آن در رکوع و سجود و تشهد و سلام و شبیه آنها خلاف قوت اقوی
و اظهر آن است که هرگاه در حال [illegible] شک کند در رکوع حین هوی بجهت سجود و قبل از دخول در سجود
برفع سجود دخل کند گذشته است پس برگرد و رکوع را بجا آورد و صاحب مدارک قائل است بعضی قول پس رجوع
میکند بجهت تدارک رکوع و این قول ضعیف است و همچنین هرگاه در حین قیام شک کند که آیا این قیام
قیام قبل از رکوع است یا قیام بعد از رکوع واجب است که رکوع را بجا آورد چرا که اصالة عدم آن است و بر نمیگردد در شک در رکوع

قبل از دخول در واجب لاحق و همچنین هرگاه شک کند در سجود و هنوز داخل تشهد یا قیام نشده باشد محل
آن نگذشته است پس برگردد و سجود مشکوک فیه را بجا آورد و همچنین هرگاه شک کند و هنوز داخل در قیام نشده باشد
محل آن باقی است پس برگردد و تشهد مشکوک فیه را بجا آورد و در ظهر آن است که بعد از دخول در حال نشود و مجرد دخول
در واجب لاحق هر چند آن واجب از جمله ابعاض قرائت بوده باشد چنانکه ظاهر صحیحه زراره است که مروی از
حضرت است اذا خرجت من شیء ثم دخلت فی غیره فشکک لیس بشیء و روایتی است از [illegible] رجوع
از اجزاء و واجبات نماز پس داخل شدن در غیر آن پس شک تو اعتبار ندارد و بنا بر وقوع مشکوک فیه
در نماز صحیح است پس هرگاه مصلی داخل در سوره شود و بعد از آن شک کند در آیا حمد خوانده است التفات نمیکند
چه محل گذشته است علی الاظهر الاقوی و بعضی در اینجا قائلند بوجوب رجوع و این قول ضعیف است چنانکه مستفاد شده
از حدیث صحیح متقدم بلکه هرگاه در ابعاض واجبات شک شود بعد از دخول در بعض لاحق التفات نمیکند مثل
اینکه شک کند در بسم الله از فاتحة الکتاب و حال آنکه داخل شده باشد در الحمد لله التفات نمیکند چه محل گذشته است
علی الاظهر بلکه هرگاه شک کند در کلمه سابقه و داخل شده در کلمه لاحقه مثل اینکه شک کند در الرحمن بعد از آنکه داخل
شده باشد در الرحیم محل گذشته است نظر با طلاق صحیحه متقدمه و التفات بمشکوک فیه نمیکند و بنا را بر وقوع آن
میگذارد و چنانکه بعضی از محققین چون مقدس اردبیلی و غیره قائلند بلی هرگاه شک واقع شود در حروف سابق کلمه
و حال بعد از آنکه داخل شده باشد در حروف لاحق از آن کلمه از احوط در اول اقوی در آخر عدم بعضی محل است مثل اینکه شک
کند در قرائت بار بسم الله بعد از آنکه داخل سین آن شده است و اقوی آنست که برگردد محل شک را بجا آورد
و از انجمله قرائت منقطع شده و در حرف تردید شک کند بعد از آنکه داخل شده باشد و در تشهد یا شک کند در تشهد

در بیان شکیات نماز

بعد از آنکه داخل شده باشد در قیام محل گذشته است و التفات بمشکوک فیه نمیکند و بنا را بر وقوع گذارده نماز را تمام
کند چنانچه مشهور و منصور است و بعضی قائلند در این صورت برجوع و تدارک مشکوک فیه مثلا اینکه داخل در رکوع
شده است و این قول ضعیف است و هرگاه ترک کند و داند در غیر از واجبات نماز بعد از آنکه داخل شده باشد
در مستحب چون قنوت اگر شک کند در قرائت بعد از آنکه داخل قنوت شده است در قنوت پس اظهر در این صورت نیز قول
بعضی محل است بل التفات بمشکوک فیه نمیکند و نماز را تمام کند و هرگاه شک کند بعد از رفع راس از رکوع در اینکه
آیا بحد رکوع رسیده است یا بعد از آنکه بعضی دارد و تحقیق اینکه تعبد رکوع شد الحمد ظاهر است که این حکم نیز
در رکوع است در حین قیام پس محل گذشته است و واجب است او را که اعاده آن [illegible] بعضی از اصحاب [illegible]
خلاف نموده اند و هرگاه فراموش کند مصلی مشکوک فیه را و محل آن گذشته است و مامور است بعضی و عدم التفات
بآن آیا صحیح است نماز او یا نه و وجه است او جمله بطلان نماز است وجوه الاتمام فی نماز است با وجوب اعاده
آن قاعده تحقیق شد از مذکورات آنکه قاعده کلیه در تجاوز از محل نسبت بشک در افعال دخول در واجبی
از واجبات نماز است مرتب بر مشکوک آن بعد از جزء مشکوک فیه باشد اعم از آنکه آن جزء لاحق کلمه بوده باشد
چون در قرائت حمد و سوره یا غیر آن از ارکان بوده باشد یا غیر ارکان بخلاف صورت سهو برخلاف کلیه در آن
چنانچه سابق اشاره شد آن بود که تجاوز از محل مشروط است بدخول در رکن لاحق یا جزء رکنی لاحق مثلا
باشد و با عدم دخول در رکن لاحق با جزء آن واجب است برگردد و مشکوک را بجا آورد و با استیناف بعد
آن و بعد از دخول در رکن لاحق یا جزء آن محل منسی گذشته است پس هرگاه منسی از ارکان بوده است نماز
باطل است و الا صحیح است بتفصیلی که سابقا مذکور شد **فائده** هرگاه مصلی در اثنای نماز تعیین مانده بجهت

این نماز نیت کرده است ولیکن شک کند که آیا قصد ظهر کرده است یا عصر و واجب باشد تحقیق آنست که منشعب
میشود و منشعب گردد **اول** آنکه بعض نماز بجا آورده که در اول بقصد آن داخل در نماز شده است بعد از آن
شک کند در عروض نیت ثانی افعال آن مثل آنکه مصلی میداند در اول داخل شده در این نماز بقصد ظهر لیکن
بعد از آن شک کرده است که آیا در اثنا نیت عصر یا قضا کرده یا نه پس شبهه نیست در صحت نماز در این صورت
و بنا بگذارد بر همان قصد اولی و ظهر باشد و اثنا مفروض **دوم** آنکه چون صورت مفروضه اول نیت اول او
معلوم نیست میداند لاکن در اثنا نماز سهوا بقصد غیر آن نیت اولیه از نمازهای دیگر کرده است و بعضی از اجزاء
نماز را بآن قصد ثانیه بجا آورده است مثل آنکه مصلی در اثنا نماز تعیین میداند که در اول نماز نیت ظهر را تعیین
کرده است لاکن تعیین نیز میداند که بعد از اثنای این نماز سهوا بقصد عصر یا قضا کرده است و آن بعضی از اجزای نماز را
بقصد عصر یا قضا بجا آورده است در اینجا نیز ظهر و اقوی صحت نماز است و بنا را بر همان قصد اول قرار میدهد بلکه
چنانچه در حدیث معتبر است که الصلوة علی ما افتتحت علیه یعنی نماز بآنچه بسته شده بآن اگر در نفس است بیان
از احکام **سیم** آنکه مصلی در اثنا نماز تعیین دارد و میداند که در اول نماز نیت فریضه کرده است لاکن نمیداند و شک دارد
در آنکه آیا فریضه معینه در نیت اولیه در اول مصلی ظهر بوده است یا عصر اقوی در این صورت نیز صحت نماز
چه هرگاه در اول ظهر تعیین کرده بوده است بعینه مطلب و هرگاه عصر بوده است عدول از عصر بظهر جایز است
اجماعا پس بنا بگذارد بر فریضه سابقه در ذمه یعنی نماز ظهر بوده باشد و نماز را تمام کند و صحیح است
چهارم آنکه چون صورت ثالثه بوده باشد و آنکه مصلی تعیین دارد نیته باشد لیکن اول نیت مصلی که نیت از اول
در اول نیت این حصول آن لاکن شک در میانه فریضه و نافله است یعنی نمیداند که آن نیت معینه واقعه در اول صلوة

بین ظهر و عصر فریضه بوده است مثلا یا نافله آن حکم این صورت در رعایت احتیاط سید بعید نیست و این نماز را صحیح دانم
و نماز را نیز مخیر میدانیم میانه آنکه تتمه را بقصد نافله تمام کند یا بقصد فریضه و احتیاط در این مسئله بر جواز بر وفق
آن بنا میکرد دانست و این نماز را بقصد تعیین چه نافله یا فریضه تمام کند و بعد از آن فریضه را اعاده کند و اگر مصلی
هرگاه بعد از فراغ از چهار رکعت نماز شک کند و این نماز ظهر بوده است یا عصر اقرب آنست که بنا را بر ظهر گذارد
و عصر را بجا آورد و احتمال قوی نیز میرود در اکتفا نمودن بیک نماز دیگر که چهار رکعتی بقصد ما فی الذمه بجا آورد و هرگاه
که فریضه را بقصد تعیین عمل آورد و اولی و احوط است فصل دوم در بیان شکی که در عدد رکعات ... شک کند
در عدد رکعات نماز فریضه دو رکعتی نماز را باطل است مطلقا پس شک در عدد رکعات در نماز صبح و ظهرین در
سفر که قصر کند و نماز جمعه و فطر و نماز عید اضحی در صورتیکه نماز عید فریضه بوده باشد چون صورتیکه امام
اصل منصوب خاص آن و همچنین در نماز جمعه و کسوف بلکه مطلق آیات موجب بطلان نماز است و همچنین شک
در عدد رکعات در فریضه مغرب ... موجب بطلان نماز است و حکم ببطلان ... موافق مشهور
مرضی است خواه ... ظن ... حاصل شود ... از صدوق ... نقل میکنند ... تخییر ... مصلی میانه
... ظاهر ... کلام او ... مشهور است ...
... خلاف ... ظاهر ... مسئله ثابت نیست چنانکه در کتاب ... المرام
... حکم ببطلان ... شک ... بطل ...
... ثابت است ... در عدد رکعات ... رکعت اول است یا رکعت
دوم ... در عدد رکعات ... باطل نیست ... در عدد رکعات مثل آنکه

شک کند در آیا این رکوع دوم است یا سوم پس در این صورت نیز باطل است چه این فی الحقیقه شک در عدد
رکعات و همچنین هرگاه در مصلی هر چند رکعت نماز کرده است و ظن نیز نداشته باشد و متحیر و مردد باشد
میانه رکعات در این صورت نیز نماز باطل است بنا بر مشهور بلکه ... و ... ظاهر ... رسیده است ... از
صدوق ... کرده اند ... تخییر میانه بنا بر اقل و اعاده نماز ... و مدارک ... است ... انتقال
نقیه داده اند با وجود ... در باب احکام سهو ... نموده است ببطلان نماز در صورت مذکوره و همچنین
هرگاه متعلق شک در رباعیه در رکعت اول باشد نماز نیز باطل است و همچنین هرگاه یک طرف شک رکعت اول
بوده باشد قبل از اکمال سجدتین و طرف دیگر فوق رکعت دوم از رکعات مثل ... چهار ... نماز باطل
و از این مذکور منقدح شد ... که در رباعیات ... یک طرف آن رکعت اول بوده باشد نماز باطل است
و همچنین ... در رباعیات ... طرف آن رکعت دوم بوده باشد قبل از اکمال سجدتین ... در این
نماز باطل است چنانکه از ... مستفیضه ... و در ... رکعت اول ... فرض است ... حفظ
شک در آن ... لازم است ... در حکم ... باید ... رکعت اولی
داشته باشد پس ... صحیح است یا باطل ... رکعت اخیره از نماز ... چهار رکعتی ... بعضی
بسیاری است ... از اصحاب ... از ... خاص ... از جهت ... عموم ...
نسبت ... و از جهت ... تصریح نموده است ... معرفت احکام آن چهار قسم ... است مثل
باقی ... نماز ... تصریح کرده است ... میانه چهار و پنج ... رکعت اول
در عدد رکعات ثنائیات و ... بخلاف ... و ... آیا معرفت حکم شک

در صورت مذکوره نیز ... است در صحت نماز ... موقوف حکم شک در صورت مذکوره باطل بوده باشد
هر چند این شکوک ... اوست ... است ... وجوب ... است ... اعاده ... است مقتضای
اشتراط است ... اجماع سید مرتضی ... و چون از ... اوقات ... شک را نیز ...
بعد از ... احکام ... و چون ... در این ... بجهت ... است
... احکام ... ترجیح ... است
در این رساله ... اول شک در میانه ... از اکمال سجدتین باطل ... است
بعد از اکمال سجدتین صحیح بنا را بر اکثر گذارد باشد ... و نماز را ... تمام کنند
و بعد از فراغ ... نماز احتیاط بجا آورد ... یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته و مشهور ... تخییر است ... ابن
... ابن ابی عقیل ... دو رکعت نشسته ... شیخ مفید ... اشکال ...
یک رکعت ایستاده ... دلالت میکند ... اختیار یک رکعت ایستاده احوط است ثانی آنچه
مذکور شد از ... صحت شک ... متعلق برکعت ... با کمال ... سجدتین ... نیست و این ...
سجدتین ... هر چند ... بعد از ... سجده ... هر چند قبل از ...
از ... اکمال سجدتین ... پس هرگاه بعد از اتمام ذکر ... سجده ثانیه و قبل از رفع رأس از آن شک کند
میانه ... آن نماز صحیح است ... بنا را ... گذارد ... و نماز ... تمام
لکن ... مشهور ... سجده ثانیه ... صحت شک ... اعاده آن احوط است
... احتیاط ... صورت ... شک ... متعلق ... بعد از اتمام ذکر سجده ثانیه و قبل از رفع رأس

از ... است نماز را ... بمقتضای حکم آن شک بانجام رساند و نماز احتیاط آورد بعد از آن نماز را اعاده کند
بلکه اولی ... آنست ... مراعات ... احتیاط ... شکی ... متعلق ... چون ... ثانیه
ثانیه هر چند قبل از اتمام ذکر ... احتیاط ... سوم شک در میانه
سه و چهار است ... حکم ... آن ... بعد از اکمال سجدتین ... باید بنا را بر چهار گذارد
و نماز را تمام کند و بعد از نماز ... مخیر است ... میانه ... یک رکعت ... نشسته ... چند
دو رکعت نشسته ... از ... چهارم ... شک در میانه دو و سه
شک در میانه دو و چهار ... از اکمال سجدتین نماز باطل است ... بعد از اکمال سجدتین صحیح بنا را بر اکثر گذارد
و چهار باشد و نماز را تمام کند و بعد از نماز احتیاط بجا آورد دو رکعت ایستاده ... چهارم شک در میانه دو و سه
و چهار ... از اکمال سجدتین نماز باطل است و بعد از اکمال سجدتین صحیح است بنا را بر اکثر گذارد ...
و نماز را تمام کند و بعد از نماز احتیاط بجا آورد ... دو رکعت ایستاده ... نشسته ... بدل ... رکعت
نشسته ... ایستاده ... دو رکعت نشسته ... فایده ... هرگاه
در صور ... شک ... احتیاط ... نماز احتیاط ... کند نماز احتیاط را
نماز کند ... آیا ... نماز ... اعاده است ...
اقوی ... است ... منافی ... نماز ... شک ... باشد ...
... نماز اعاده است ... هرگاه ... منافی مطلق ... حدث ... تخلل ... تخلل
... باشد میانه نماز ... شکوک ... نماز ... این نماز ... اقوی ... است ...

که نماز احتیاط بنشیند و سجدهٔ سهو که ... در همهٔ صورت نماز را اعاده ... بعد از آن است و در ...
هر نماز احتیاط را بجا آورد و اعادهٔ احتیاط در اینجا احوط است و هرگاه بعضی شک کند در نماز و عمل کند بشک ...
آن شک از بنای بر اکثر و ... چنین باشد و نماز خود را قطع کند و از سر گیرد این نماز اعاده صحیح است هر چند
خلاف اولی کرده است **پنجم** شک میانه چهار و پنج است و اینجا ... شهید ... تصریح کرده است ...
اول بعد از اکمال رفع راس از سجدتین **دوم** قبل از رفع راس از سجدهٔ ثانیه **سیم** بین السجدتین **چهارم** بین الرکوع
و السجود **پنجم** در اثنای رکوع **ششم** بعد از قرائت و قبل از دخول در حد رکوع **هفتم** در اثنای قرائت
هشتم قبل از قرائت بعد از استکمال قیام **نهم** در اثنای قیام و مراد از قسم سیم بین السجدتین باشد و چهار صورت
اول بعد از دخول در سجدهٔ ثانیه و قبل از اتمام ذکر واجب آن **دوم** بعد از رفع راس از سجدهٔ اولی و قبل از دخول در سجدهٔ
ثانیه **سیم** قبل از رفع راس از سجدهٔ اولی و بعد از اتمام ذکر آن **چهارم** بعد از دخول در سجدهٔ اولی و قبل از اتمام ذکر آن
و مراد از صورت چهارم پنجم صورت ششم بعد از اتمام ذکر رکوع و قبل از رفع راس از آن **دوم** قبل از اتمام ذکر آن
پس مجموع این صورت سیزده صورت است و شقوق دیگر بر خیال میرسد لکن نزد تحقیق همه این صور برمیگردد
بر سه صورت **اول** اگر شک در زیادتی شود پس باز گردد و برسد که شروع در رکوع و حکم این صورت صحیح شود تنها
است ... کند و بنشیند و سلام دهد و شک ... میکرد و ... میانه سه و چهار پس بعد از فراغ
از نماز حکم سه و چهار در معمول میدارد و در احتیاط بجا آورد و دیگر که ... شکسته ... از اینجا
چون صاحب ... عدم خلاف کرده است در این حکم بعدم ... و ... احتیاط شک میانه سه و چهار
دوم اگر شک در حالت شود بعد از وصول بحد شرعی رکوع و قبل از اکمال سجدتین مشهور ... صحت

لازمست

نماز است پس با تمام رکعت رابعه بجا آورد نماز را تمام کند و بعد از نماز احتیاط ... سجدهٔ سهو ... قصد قربت بجا آورد
و احوط آن است اعادهٔ نماز است و این احتیاط غایت تاکید دارد و جمعی از ... علامه ... شیخ علی ...
نماز را باطل میدانند و بعضی از مشهور ... سجدهٔ سهو را واجب میدانند **سیم** اینکه این شک حالت شود بعد از رفع راس
از سجدهٔ ثانیه یا بعد از اتمام ذکر واجب آن بنا بر ... اتمام رکعت متحقق ... بجا آورد اتمام ذکر
واجب سجدهٔ ثانیه پس در این صورت نیز نماز صحیح است ... شهید ... بعد از فراغ از نماز
بر ... سجدهٔ سهو بجا آورد **ششم** شک میانه سه و پنج است قبل از اکمال سجدتین نماز باطل است و اعاده ... اکمال
پس در آن خلاف ... بنا بر اقل گذارد و تمام کند و نماز صحیح است و احتیاط ... بعد از فراغ
سجدهٔ سهو بجا آورد و نماز را اعاده کند **هفتم** شک میانه سه و پنج و این بر سه صورت است قبل از دخول در رکوع
دوم بعد از دخول در رکوع و قبل از اکمال سجدتین **سیم** بعد از اکمال سجدتین هر چند قبل از رفع راس از سجدتین باشد
در صورت اول شک را ... بر میگردد به شک میانه دو و چهار پس حکم ... در اینجا نیز معمول میدارد و نماز صحیح است
و اما در صورت ... خلاف ... بنا بر اقل است پس نماز را تمام کند و صحیح است و احتیاط در اینجا نیز چون
سابق است بفعل سجدهٔ سهو و اعادهٔ نماز **هشتم** شک میانه دو و سه و پنج قبل از اکمال ... بطلان و بعد از اکمال ...
... در اینجا نیز ... بنا بر اقل پس اتمام نماز و احتیاط در اینجا نیز چون ... بفعل سجدهٔ سهو
و اعادهٔ نماز **نهم** شک میانه دو و چهار و پنج قبل از اکمال باطل و بعد از اکمال سجدتین ... بر اقل
پس تمام کند بقیهٔ نماز را و احتیاط در اینجا نیز چون صور سابقه در فعل سجدهٔ سهو است و اعادهٔ نماز **دهم** شک
میانه سه و چهار و پنج پیش از رکوع بر میگردد بشک میانه سه و چهار پس حکم آن در اینجا نیز معمول میدارد

بعد از دخول در رکوع یا اکمال سجدتین در همه اقسام این ... اقوی بنا است بر اقل پس نماز را تمام کند و احتیاط
در اینجا نیز چون صور سابقه است بفعل سجدهٔ سهو و اعادهٔ نماز **یازدهم** شک میانه دو و سه و چهار و پنج قبل از اکمال
سجدتین باطل و بعد از اکمال سجدتین خلاف ... اقوی ... بنا است بر اقل پس نماز را تمام میکند و احتیاط در اینجا نیز
چون صور سابقه است **دوازدهم** شک میانه چهار و شش است پیش از اکمال سجدتین باطل و بعد از اکمال سجدتین ...
... است از رفع راس یا اتمام ذکر واجب ... ثانیه ... بنا ... تمام کند و احتیاط در اینجا
نیز چون صور سابقه است بفعل سجدهٔ سهو و اعادهٔ نماز **سیزدهم** شک میانه سه و شش ... در صورت بنا
بر ... پس بقیهٔ نماز را بجا آورد و صحیح است و احتیاط در اینجا چون صور سابقه است **چهاردهم** شک چهار و شش
در اینجا نیز خلاف عظیم است ... بنا است بر اقل پس ... کند بقیهٔ نماز و احتیاط در اینجا نیز چون
صور سابقه است **پانزدهم** شک میانه پنج و شش پس ... قبل از رکوع باشد بر میگردد بشک میانه چهار و پنج
بعد از اکمال سجدتین پس تشهد ... سلام ... و سجدهٔ سهو بجا آورد و نماز او صحیح است ... هر گاه
دخول در رکوع باشد نماز باطل است مطلقا ... از ... رکعت ... مشکوک ... است
... تا شده باشد **شانزدهم** شک میانه دو و سه و شش پیش از اکمال باطل و بعد از اکمال سجدتین
بنا را بر اقل گذارد نماز را تمام کند و صحیح است و احتیاط در اینجا نیز چون صور سابقه است **هفدهم** شک میانه دو
و چهار و شش پیش از اکمال باطل و بعد از آن صحیح بنا را بر اقل گذارد تا بانجام رساند و احتیاط در اینجا نیز چون
صور سابقه است **هیجدهم** شک میانه دو و پنج و شش پیش از اکمال باطل و بعد از اکمال سجدتین صحیح بنا را بر اقل
گذاشته نماز را بانجام رساند و احتیاط در اینجا نیز چون صور سابقه است **نوزدهم** شک میانه سه و چهار و شش

در همه صور صحیح است بنا را بر اقل گذاشته تا بانجام رساند و احتیاط در اینجا چون صور سابقه است **بیستم** شک میانه
سه و پنج و شش در همه صور صحیح بنا را بر اقل گذاشته بانجام رساند و احتیاط در اینجا نیز چون صور سابقه است **بیست و یکم**
شک میانه دو و سه و چهار و شش قبل از اکمال سجدتین باطل و بعد از اکمال نماز صحیح است بنا بر اقل گذاشته نماز را
بانجام رساند و احتیاط در اینجا نیز چون صور سابقه است **بیست و دوم** شک میانه دو و سه و پنج و شش پیش از اکمال
باطل و بعد از اکمال سجدتین صحیح بنا را بر اقل گذاشته نماز را بانجام رساند و احتیاط در اینجا نیز چون صور سابقه است
بیست و سیم شک میانه دو و چهار و پنج و شش قبل از اکمال باطل و بعد از اکمال نماز صحیح بنا را بر اقل گذارده نماز را
بانجام رساند و احتیاط در اینجا نیز چون صور سابقه است **بیست و چهارم** شک میانه سه و چهار و پنج و شش در همه صور
صحیح بنا را بر اقل گذاشته نماز را بانجام رساند و احتیاط در اینجا نیز چون صور سابقه است **بیست و پنجم** شک میانه
دو و سه و چهار و پنج و شش قبل از اکمال سجدتین باطل و بعد از اکمال سجدتین صحیح بنا را بر اقل گذاشته بانجام
رساند و احتیاط در اینجا نیز چون صور سابقه است تمام شد صور مطوله الذکر از صور مشکوک و حکم ... [illegible]
دانست در زیاده تر حکم نیست ... تفاوت **فایده** هر گاه بعضی بعد از فراغ از نماز شک کند در اجزای نماز یا
رکعات آن اعتباری بآن شک نیست و اما در ظن بعد از فراغ [illegible] عدم التفات بآن نیز خالی
از قوت نیست لکن احتیاط مراعات حال ظن است پس هرگاه بعد از نماز ظن بنقصان رکعتی مثلا بهم رساند
قبل از ارتکاب منافی اتیان کند بآن رکعت مظنونة النقصان و در صورت ظن بزیادتی رکعت احتیاط کند
باعادهٔ آن نماز هرگاه شک کند مکلف در اینکه آیا اتیان بفریضه خود نموده است یا نه پس با بقاء وقت
واجب است اتیان بآن نماز مشکوک و همچنین در صورت ظن بعدم اتیان بطریق اولی و اما هرگاه بعد از

فروع حق شک کند در فعلی از افعال و عدم آن بنی بر آن ... باشد احوط عدم وجوب قضا است هر چند
قضا کردن اولی است **فایده** آنچه مذکور شد از احکام شک در صورت متقدمه از امور تعبدیه شک ... آن
است که در حصول شک حکم ... آن مترتب نشود بلکه واجب است ... تعیین ... تامل ... کند ...
حصول شک هر گاه آن شک ... مستقر ... احکام متقدمه در هر یک از صور ... بر آن صورت مترتب
نشود ... هر گاه زایل شد حکم آن نیز مترتب ... خلاف ... شهید ... است ... رجوع ... شک
کیفیت ... معمول ... احتیاط نیز در ... معمول است ... حکم ... کردن ... معمول ... است
به عموم ... از نصوص معتبره اقتضای قول اول ... **فصل سیم** هر گاه ... در رکعات ظن حاصل شود بنا را
بر ظن خود گذارد ... هر گاه ... رکعت اخیره ... باشد ... غیر آن از ... های
... رکعت ... اولیین ... خلاف ... نیز ... عمل ... ظن ... یقین ... است
در عدد رکعات ... و ... نماز ... ظن ... مشهور ... جواز ... عمل ... ظن است ...
هر چند احوط ... عمل ... ظن ... نماز ... خروج از خلاف ... ظن ... است ...
... ظن ... و ... فقدان آن ... مثلا هر گاه ... شک کند میان
چهار و پنج ... ظن ... رکعت ... باشد حکم او حکم کسی است ... یقین ... باشد ...
... نماز ... آورده است ... اللهم ... نیز
... هر گاه شک کند میان یک و دو ... ظن ... کند ... یا شک کند میان دو و سه ... ظن ... را
... شک کند میان سه و چهار ... ظن ... یا شک کند میان چهار و پنج ... ظن ... کند ... بنا را بر ظن ...

...

خود گذارد ... احتیاط ... سهوی ... است ... در ... نماز ... ظن ... جایز است ... در ...
در اولیین مشهور ... است ... جایز است عمل ... ظن ... در ... اعداد رکعات ... احتیاط ...
... اقتضای ظن است ... حصول ظن ... واجب ... متقدم ... شک ...
... شک ... اقرب ... عدم وجوب ... است ... ظاهر ... است هر چند
... اولی ... احوط است **فصل چهارم** آیا واجب و متعین است در نماز احتیاط قرائت حمد ...
نیز بین الفاتحه و التسبیحات ... مشهور ... قول اول است ... احتیاط ... مشهور است ... نیت ...
الاصحاب ... نماز احتیاط ... واجب ... در او ... تکبیر ... واجب ... در نماز مستقل ... تکبیرة
الاحرام و تشهد و تسلیم و طهارت ... استقبال و ستر عورت و جمیع واجبات و شرایط نماز ... قیام ...
... نهایت شیخ ... است ... تکبیرة الاحرام در نماز احتیاط ... ضعیف است
فصل پنجم مشهور بین الاصحاب ... نماز احتیاط ... واجب است
مبادرت ... نماز احتیاط ... تکلم ... حدث ... کلام ... ارکان ... صورت
اخلال ... در صورت زوال ... تاخیر احتیاط ... تکلل ... میانه آن ... شک ...
... گناه کار ... آیا نماز ... باطل ... خلاف ... آیا نماز
احتیاط ... جزو نماز ... شکوک ... واجب ... خارج ... است ... حکمی ...
... نماز جاری ... در نماز احتیاط ... جاری ... است ... چنانچه ... باشد
... تمام ... قبل از نماز ... احتیاط آن ...

...

شود ... آن ... هر گاه ... قطع ... باشد در صورت ... نیست
در صورت ... باطل ... نماز ... منافیات ... احتیاط ...
... باطل است ... نماز ... هر گاه ... سهو ... واقع ... احتیاط ... اهل
... منافیات ... حدث ... واقع شود ... از
نماز ... قبل از نماز احتیاط ... سهو ... اضطرار ... نماز باطل است ... احتیاط ... جمع
... حکم ... بطلان ... نماز ... نماز احتیاط ... آورد ... نماز کند
... نماز احتیاط ... نماز ... قضا ... جون ... در ...
انقطاع ... منافیه ... اقوی ... باشد ... نیز
آنچه ... اجزای ... استقبال ... نماز ... قبل از آن
... بر تقدیر انقطاع ... تفصیل که گذشت در نماز احتیاط ... جاری است ...
هر گاه آن ... تخلل میانه ... منافیات مطلق باشند چون حدث ... نماز باطل است
مطلقا ... باشد یا سهوا ... احتیاط ... است ... اجزای ... شرط ...
... غیر ... نماز ... اعاده کند **فصل ششم** هر گاه ... قبل از نماز احتیاط ... دیگر ... هر چند
صورت ... این نماز ... قبل از احتیاط ... پس چون ... احتیاط ...
... گناه کار است ... شکوک ... نماز احتیاط ... باطل است آیا این نماز
... باطل است ... تفصیل است ... هر گاه ... نماز ... باشد ... آن نماز ...

...

... احتیاط این نماز ... باطل است ... نماز ... احتیاط ... بجا آورد ... نماز ... با
... احتیاط ... سابقا ... نماز احتیاط ... در صورت ...
بجا آورد ... از آن ظهر ... هر گاه ... نماز مستقل ... سابقه ... نماز مستقل ... آن
سابق ... قضا ... نماز ... احتیاط ... بجا آورد ... این نماز قضا ...
... مترتب ... آن نماز ... صحیح است و آن نماز ... نماز احتیاط باطل است ... نیت
... این نماز مستقل ... مترتب ... باشد ... حکم ... از انقطاع ...
... در نفس ... چنانچه ... اصحاب ... سابقا ... شد ... عدم جواز انقطاع
... **صورت دویم** ... قبل از نماز احتیاط سهوا ... دیگر بجا آورد ... از
فراغ از آن متذکر شود ... گناه کار نیست در این صورت ... صحیح است این نماز مستقل ...
باشد ... مرتب ... چون عصر ... بر ظهر ... مرتب ... نماز آیات و غیره ...
... مراعات ترتیب میانه ظهر و عصر ... در صورت ... سهو ...
... هر گاه ... عصر را سهوا ... از نماز ظهر ... بجا آورد ... صحیح است ...
... احتیاط ... اقوی ... نماز احتیاط ...
لکن ... این نماز ... احتیاط **صورت سیم** قبل از نماز احتیاط شروع کند سهوا در نماز
دیگر ... این نماز ... گناه کار نیست ... آن نماز سابق ... نماز احتیاط ... است
... الاقوی ... خلاف ... در حکم این نماز ... میانه آن ... احتیاط ... احتیاط آن ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

كتاب الخمس

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين

حین و در جواز رجوع مالک مستحق با علم او بکلی یا انفاد عین محل وجه است هر چند عدم رجوع قوی است
الثالثة هر گاه احتیاج شود در هر سال بمسکنی یا کنیز یا غلام یا اسب یا حموله یا کتب و کتاب و
دکان و مثل آن بجهت حاجت آن شخص یا عیال او باید مثل شتران حیوان پس جمیع از مؤنه است
و خمس نیست در عین اینها و نه در ثمن اینها هر چند اعیان این اشیاء سنین کثیره در تصرف مالک
باقی باشند و همچنین هر گاه بجهت دوستان یا تکلف یا نیز احتیاج حاجت خود یا عیال خود بکار آید آنها
خمس نیست در ثمن این اشیاء و اما هر گاه تکلف نمی یا زینه یا بسته یا نیز احتیاج اکتساب یا انتفاع
منفعت از آنها در سنین بعد باشد آنرا نمیاید پس ظاهر اینست که ثمن آنها از مؤنه عام ... بقیه
واجب است خمس در ثمن آنها اما هر گاه آن ثمن از آنجمله باشد که خمس به آن تعلق گیرد و اما هر گاه
از آنجمله باشد که خمس تعلق بان نگیرد مثل اینکه منتقل شود باو بسبب میراث یا هبه پس
این ثمن هم ... تکلفانه یا ضیعه ... بجهت اکتساب پس خمس نیست ... از این
اشیاء الرابعة هر گاه جزوی از اراضی ... بجهت ... از خمس ...
بخرد ... از خمس ... و خمس ... چنانچه شهید ... در دروس تصریح کرده است
... استثناء از مؤنه است پس ... هر گاه از ... مؤنه ... است
معروض است ... استثناء آن ... از مؤنه خمس آن
واجب است ... بقصد ... باشد ... بجهت زینت ...
و حال آنکه آن زینت لایق بحال او نباشد مطلب چهارم در مصارف خمس و فروعات متعلقه است

دیگر اینکه ... فصول عدیده فصل اول در اینکه خمس شش سهم منقسم میشود سهم الله و سهم الرسول
و سهم ذی القربی یعنی ائمه معصومین و سهم یتامی و مساکین و ابناء سبیل و نصف آن یعنی سه سهم
اول حق امام است و نصف دیگر حق فرق ثلاث بشرط اینکه منسوب باشند بعبد المطلب جد پیغمبر
از جانب پدر و در کتاب زکوة اشاره باینکه قصی بن کلاب متولد شد از او عبد مناف و از عبد
مناف متولد شد هاشم و مطلب و از هاشم متولد شده است عبد المطلب و از عبد المطلب متولد
شده است عبد الله پدر پیغمبر و زبیر و ابو طالب و اسم او عبد مناف و عباس و ابو لهب پس
عبد المطلب بن هاشم جد پیغمبر است و مطلب برادر هاشم عم اعلی پیغمبر است و خلافی نیست در اینکه
منتسب بهاشم و پسر او عبد المطلب مستحق خمس میباشند هر چند ولادت نازل شود و بلکه خلاف در اینست
که آیا منسوب بمطلب برادر هاشم مستحق خمس هستند یا نه مشهور منصور عدم استحقاق ایشانست خمس را
و همچنین شرط است در استحقاق فرق ثلاث خمس را اینکه انتساب ایشان بعبد المطلب جد پیغمبر
از جانب پدر باشد پس هر گاه مادر هاشمی باشد و پدر هاشمی نباشد مشهور منصور عدم استحقاق خمس است
و این احوط نیز میباشد هر چند مسئله خالی از اشکال نیست چنانچه تفصیل در کتاب منهج الاجتهاد
ایراد نموده ایم فصل دویم شبهه نیست در اینکه نصف خمس را چنانچه اشاره شد لازم است بامام
رد نمود اما نصف دیگر پس جایز است مالک خود بفرق ثلاث رد نماید و آیا جایز است بهر یک فرقه
از این فرق ثلاث رد کند یا اینکه لازم است تقسیم شود میانه هر سه فرقه خلافست میان اصحاب
جمعی از اصحاب چون شیخ طوسی در مبسوط و ابن طاوس و صاحب تنقیح و ذخیره و مفاتیح قایل شده اند

بنابر این احوط است بل لازم نیست استیعاب هر یک از طوایف ثلث و هر گاه اقتصار کند
از هر طایفه بواحدی یا تخصیص همه حصه ایتام را مثلا بیک هاشمی بدهد جایز است هر چند احوط اولی
استیعاب حاضرین از هر طایفه است فصل سیم در اینکه جمیع خمس را تسلیم امام نماید پس امام
نصف خمس را حصه ایتام و مساکین و ابناء السبیل میباشد تقسیم میکند بر ایشان بقدر کفایت
یعنی مؤنه سال هر یک بحسب العاده و بی اسراف و نه اقتار پس هر گاه فاضل آید از مؤنه
اتمام مینماید مؤنه او را از نصیب خود و هر گاه فاضل آید امام اخذ مینماید فصل سیم شرط است
در ابن السبیل فقر و حاجت در بلد تسلیم خمس بوی هر چند غنی باشد در بلد خود و همچنین احوط اولی
عدم تمکن او است از استدانه و با تمکن از آن احوط احتراز است از خمس دادن باو و با جمله
فروع متقدمه در زکوة در اینجا نیز جاری است و همچنین احوط بلکه اظهر اشتراط فقر است در ایتام سادات
جمعی از اصحاب چون شیخ در مبسوط و ابن ادریس کافی میدانند مجرد یتیم بودن را و این ضعیف است
و جایز است نقل کردن خمس به بلد دیگر با فقد مستحق در بلد خمس و هر گاه در این صورت نقل کند و تلف شود
ضامن نیست مگر با تفریط نظیر امانات و اما با وجود مستحق در بلد خمس پس در جواز نقل آن
ببلد دیگر خلافست اقوی نزد حقیر عدم جواز است چنانچه در زکوة مذکور شد و جمیع تفریعات آن
نیز جاری است و بر اینکه جمعی از اصحاب تصریح کرده اند باشتراط ایمان در مستحق خمس و این احوط است
هر چند حکم آن خالی از اشکال نیست و اما عدالت پس شرط نیست در مستحق خمس اما اظهر الاشهر بلکه ظاهر
جمعی دعوی عدم خلافست بر عدم اشتراط مطلب سیم در انفال و بعض از مسائل متعلقه است ... و ... چند فصل

فصول عدیده فصل اول در اینکه انفال جمع نفل بسکون فاء و فتح آن است و در لغت بمعنی غنیمت و هبه و زیادتی
بر اصل و از این معنی اخیر است صلوة نافله یعنی زیادتی بر فریضه و مراد از آن در اینجا چیزی است که مختص است
به پیغمبر و بعد از آن بامام بسبب انتقال از پیغمبر و از جمله است ارض موات که ملک کسی نباشد پیغمبر یا امام اثر را
بدون قتال اخذ از ... بوده باشد اهل آن یا تخلیه نموده اهل آن قریه از آن بیرون رفته باشند
و از برای مسلمین واگذاشته باشند یا اینکه تسلیم کرده باشند آن قریه را بمسلمین بالطوع یعنی تمکین داده
باشند مسلمین را از تسلط بر ایشان با بقاء اهل آن قریه در آن و از جمله است ارض موات مراد
از این ارضی است که انتفاع برده نشود از آن ارض بسبب استیلاء ... چون درختهای انبوه
که در بیشه ها میروید یا بسبب فقد آب یا استیلای آب بر آن بر وجهی که در عرف آن ارض موات
محسوب دارند چون جنگلهای مازندران و سواحل دریا و صحراهای بی آب پس اینها ملک امام است
مطلق اعم از اینکه ملک مسلمی بر آن جاری نشده باشد مطلقا یا جاری شده باشد ملک مسلمی بر آن
ولکن بر طرف شده باشد و ملاک مسلمین ... شناخته نشود ... ایشان را ...
... و از جمله است رؤس جبال و آنچه در آن باشد و بطون رودخانها و ... در اینها عرف
عادت است و همچنین اجام جمع اجمه بالتحریک و آن درخت بسیاری است ... باشد
چون جنگلها و اطلاق ... اطلاق اصحاب اقتضا میکند عدم فرق در اینکه این سه چیز ... است
میانه اینکه در ارض ملک امام باشد یا در غیر آنها از اقسام اراضی و همچنین هر گاه فتح شود دار الحرب
پس قطایع و صفایای ملوک و سلاطین ایشان بوده است مال امام است هر گاه مغصوب نباشد از مسلم

معادن و مراد از قطایع اراضی است که مختص بسلطان دار الحرب بوده است و از صفایا اموال منقوله مختصه
سلطان ایشان و فی الحقیقه هر چیزی که مختص است بسلطان دار الحرب از غیر منقولات
یا از منقولات پس آن هم غیر است بعد از آن مال امام است و هر گاه بغصب غالب شده از شخص محترم
المال و جایز است از برای امام که اختیار کند از برای خود از غنیمت آنچه را خواسته باشد از اسب خوب
و جامه دیگر و شمشیر بسیار خوب و غیره ذلک و همچنین هر گاه مقاتله کنند با کفار بدون اذن امام
پس غنیمتی که تحصیل کنند آن غنیمت مال امام است چنانچه سبق ذکر این اشاره شد و همچنین از جمله انفال است
میراث من لا وارث له پس میراث او نیز مال امام است و نقل میکنند بعضی از علماء فصل دوم چون
دانستی که بعضی از اموال مختصه امام است و از نصف خمس و اموال معدوده و از انفال پس بدانکه جایز نیست تصرف
کردن در شیء از این اموال بدون اذن امام در ظهور او و هر گاه کسی تصرف کند بدون اذن او غاصب
حاصل شود و غاصب است و ضامن مال امام است لاکن خلافی نیست میان الاصحاب در اباحه تصرف در اراضی
موات و امثال آن در زمان غیبت از برای شیعیان بلکه ظاهر مشهور چون ظاهر معتبره است اباحه
احیا و ملک شدن و همچنین مباح است تصرف کردن شیعیان در زمان غیبت در غیر اراضی از
انفال و در صحیحه حارث ابن المغیره النصری است ... حلل ما فی ایدیهم من حصتنا فلیبلغ الشاهد الغایب
و بدانکه مشهور منصور اباحه مناکح است در زمان غیبت حضور از برای خصوص شیعیان و در غیبت
... مناکح ... میان جواری سبیه از دار الحرب مطلقا چنانکه مشهور تفسیر کرده اند و بعضی ...
یا ثمن مملوکه ... مولی باشد از ارباب پس جایز است شرا جواری سبیات و ... چند ...

امام است مثل آنکه هر گاه غنیمت آورده شود بدون اذن امام یا بعض آن مال امام باشد چون
صورت پس آنها باذن امام یکبار هر چند است که مالک میشوند جواری را و واجب نیست اخراج حصه
موجودی از ارباب خمس نیز امام ... طیب ولادت شیعیان خود مباح کرده اند جمیع مناکح را
از برای شیعه و همچنین مشهور منصور اباحه مساکن و متاجر است از برای شیعیان و امام مباح کرده
از برای شیعه و مشهور تفسیر نموده اند مساکن را بمسکنی که اخذ میکنند ... از ارض مختص بامام چون ارض مملوکه
بغیر قتال و رؤس الجبال و بعضی دیگر تفسیر کرده اند بمسکنی که میخرد آنرا از غنائم خمس در آن واجب است
چون ارباح تجارات پس مراد که مسکن را از ... از آن بقدر حاجت است و شبهه نیست در حلیت
مسکن بهر دو تفسیر زیرا تفسیر اول راجع است بارض معدوده از انفال و دانستی نصف مطلق در زمن غیبت
مباح است از برای شیعیان و همچنین ... تفسیر ثانی راجع است بعفو از خمس ... از ارباح
تجارات و اما متاجر پس جمع کثیری تفسیر کرده اند آنرا بتجارت و میخرد آنرا از غنایم مأخوذه از دار
الحرب در زمن غیبت و بعضی تفسیر دیگر کرده اند و کیف کان مباح است از برای شیعیان تصرف
در مناکح و متاجر و مساکن مطلقا نسبت بحصه امام و نسبت بحصه سایر سادات و اما حصه جمیع ثابت است
از نصوص مستفیضه معتبره فصل سیم واجب است نصف خمس را حال ظهور امام بامام برسانند
و واجب است نصف دیگر را نیز بامام برسانند تا او تقسیم کند میان طوایف ثلث و اما هر گاه امام
غایب باشد چون عصر ما که عصر غیبت است و ممکن نیست ایصال بامام پس در هر یک از نصف خمس
و حصه طوایف ثلث است و نصف دیگر آن حصه امام است خلاف عظیمی است و مشهور منصور است

که واجب است صرف نمایند نصف خمس را که حصه طوایف ثلاث است یعنی ایتام و مساکین و ابناء سبیل بایشان
برسانند هر چند افضل آنست که این نصف را نیز برسانند بفقیه عدل امامی و اما نصف دیگر که حصه امام است
واجب است که برسانند آنرا بفقیه عدل امامی و احوط آنست که فقیه صرف نماید این نصف را نیز در طوایف
ثلاث من باب التتمه با تعیین مقدار ناقص از مؤنه سنه هر یک از این طوایف را با تعیین امام هر گاه چنانکه
امام هر گاه ظاهر باشد حصه سادات از مؤنه سنه ایشان ناقص باشد از حصه خود باید ایشان را بدهد تا که
صرف در مؤنه خود نمایند و جایز نیست بغیر فقیه عدل امامی شود نصف که حصه امام است بشود و اما هر چند ممکن
باشد بلکه حرام است تصرف در آن و متوسط شدن بغیر فقیه هر چند او نیز فقیر او سادات برساند و ضامن
میباشد و نقل نزد این نصف لکن بلاد که فقیه اذن بدهد که بمستحقین حصه امام شود و فقیر از سادات
برساند جایز است و متصدی شود در فقیه نیز جایز است و همچنین اذن بدهد که کسی را اصلاح آن
و هر گاه ممکن نباشد که ایصال حصه امام بفقیه و ماذون از قبل او ممکن باشد لاکن ایصال بفقیه موقوف
بنقل از بلد و در آن مظنه تلف باشد پس ظاهر آنست که جایز است ... که از این صورت خود صرف نماید
در تتمه مؤنه سادات و اما هر گاه در بلد خمس جمعی از فقرا مضطرین از سادات باشند لا ایصال بفقیه موقوف
بوده باشد بنقل از بلد خمس و در نقل مظنه تلف نباشد پس در نقل حصه امام در این صورت سبیل فقیه اقرب است
مقتضای احوط ... واجب بنقل است و ایصال بفقیه است فصل چهارم دانستی که فقیر نیست مصرف تمام
نصف خمس اما حصه امام است در تتمه مؤنه طوایف ثلاث یعنی ایتام و ابناء سبیل و مساکین از سادات
و این جمله عطا کرده اند و قابل است که جواز صرف این سهم در فقرا شیعیان و مستان ایشان ... از غیر سادات
نیز

نیز شرط معرفت و صلاح و سداد و ... ضعیف است بلی هر گاه سادات فقیر باشند و احتیاج
نداشته باشند یا آنکه در ایصال بمستحقین سادات در غیر بلد خمس مظنه تلف ایشان باشد جایز است
صرف آن در فقرای شیعه و لاکن احوط آنکه مراعات نمایند اعرف که با تحری رد را اتقی و اصلح را
و هر گاه چنانکه بایست نشود فقیر شد از سادات و نه از غیر سادات از شیعیان و در تاخیر باشد
که داشتن تا ظن آن تلف باشد پس در جواز دادن ایشان بغیر شیعیان
... و مراعات احتیاط باید کرد و مثل آنست که خمس را در قرض خود یا آنکه
قرض بدهد بمال دار و فقیر باشد تا آن زمان که ممکن باشد ایصال این بمستحق آن و غیر ذلک
از وجوه احتیاط و صلاح فقرا و سادات در آن باشد وقد فرغ هذه الرسالة الشريفة
من تأليفات علامة العلماء مجتهد هذا البلد و الزمانی مولانا الحاج محمد تقی البرغانی
دام فضله العالی فی یوم الرابع الخامس والعشرين من شهر شعبان المعظم فی دار السلطنة

القزوين على يد العبد الاقل الخليقة
حسینعلی ابن محمد حسین
١٢٣١

[illegible]


هو الفتاح
هو الفتاح

